مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست و سوم | چهارشنبه ۲۵ سنبله ۱۳۸۳ | اول شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 15 September 2004

سرمقاله

حوادث اسفناک هرات
بازده یک اقدام نا عاقبت اندیشانه
ص۲

د اتل او شهید
مسعود په یاد
ص ۵

دنیای بعد از یازدهم سپتامبر
و مشکل تروریسم
ص۶

استاد ربانی در همایش گرامیداشت از سومین سالروز شهادت احمد شاه مسعود در استدیوم کابل:

در فرهنگ دینی ما جنگ نه برای جنگ که برای صلح است

احمد شاه مسعود یکی از چهره های تابناک و پردرخشش کشور ماست

استادبرهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت به مناسبت سومین سالروز شهادت احمدشاه مسعود در استدیوم ورزشی کابل سخنرانی ارزشمندی ایراد کرده اند که اینک به نشر می رسد.

الحمدلله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:
در سومین سالروز فرزانه فرزند کشور عزیز، ابر مرد جهاد ومقاومت
ص۳





سومین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور تجلیل شد

روز چهار شنبه هجدهم سنبله طی مراسمی متعدد، در جای جای شهر کابل وبسیاری نقاط کشور، سومین سالروز شهادت احمد شاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان گرامی داشته شد.

درهمایشی که به این مناسبت در استدیوم ورزشی کابل تدویر یافته بود، حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، معاونان ریاست دولت، اعضای کابینه، سفرای کشورهای خارجی مقیم افغانستان، افسران قوای مسلح وهزاران تن شهروند کابل اشتراک ورزیده بودند.

در محفل بعد از قرائت کلام ملکوتی پروردگار، وپخش سرود ملی، پیام محمد ظاهر، شاه پیشین افغانستان توسط محمد امین فرهنگ وزیر بازسازی، خوانده شد.
ص۶

کنفرانس بین المللی

مسعود شناسی

در آستانهٔ سومین سالروز عروج ملکوتی قهرمان ملی کشور همایش هایی پرشکوه برگزار گردید.

سه سال از عروج ملکوتی سپهسالار بزرگ جهاد ومقاومت وقهرمان ملی کشور احمدشاه مسعود شهید، می گذرد.

در این مدت مردم مسلمان افغانستان ، در آتش فراق وسفر بی بازگشت راد مرد ثام آوری می سوزند که مایهٔ امید وافتخار وسربلندی و رمز آزادی بود. دشمن نامرد وجبون زمانی او را از ما گرفت که سنگرهای جهاد ومقاومت به وجود خورشید گونه اش، میهن ومردم به اراده واندیشه وتصمیم گیری های حکیمانه وسازنده اش، نیازی جدی احساس می کرد. در آستانهٔ سومین سالروز شهادت جانگداز مسعود بزرگ، مانند سال های گذشته طی همایش هایی پرشکوه ، ختم قرآن عظیم الشأن، سخنرانی ها، سیمینار ها و کنفرانس ها در سرتاسر کشور وکشورهای متعدد دیگر بزرگداشت به عمل آمد .

در کنار انعقادمحافل پرشکوه در ولایات وکشور های جهان، کابل پایتخت کشور نیز شاهد همایش هایی پرشکوهمند وکم نظیر در غازی استدیوم، هتل انترکانتیننتال، دانشگاه های کابل، مکاتب، ادارات دولتی، مساجد جامع وتکیه خانه ها وسالن های سخنرانی بود.

یکی از برنامه هایی که در رابطه با شهادت قهرمان ملی وهفتهٔ شهید برگزار گردید، تدویر کنفرانس دو روزهٔ مسعود شناسی در هتل انترکانتیننتال بود که در آن علاوه
ص۵

شهر هرات در پی تبدیلی اسماعیل خان متشنج شد

آقای کرزی سرانجام با گماشتن محمداسماعیل خان والی هرات را به سمت وزیر معادن وصنایع، گماشت. شایعات در مورد برکناری امیر محمداسماعیل خان از عهده اش در ولایت هرات زمانی قوت گرفت که زلمی خلیل زاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا از یک سفر غیر مترقبه به هرات و مذاکره با محمداسماعیل خان، به کابل برگشت. پس از برکناری محمداسماعیل خان از عهده اش درهرات ، جمع کثیری از شهروندان هرات در آن شهر در روزهای ۲۱ و۲۲ سنبله در اعتراض به این کار دست به مظاهره زدند و دفاتر یوناما وکمیسیون مستقل حقوق بشر و مؤسسهٔ IOM را به آتش کشیدند و در پی این کار باعکس العمل نیروهای اردوی ملی و مواجه شدند. حاصل این رویا رویی خونین در شهر هرات پنج کشته و بیش از چهل نفر زخمی بود که شهروندان هرات پس از لشکر کشی قوماندان امان الله از زیر کوه شیندند در چند هفتهٔ پیش، بار دیگر در سوگ وماتم عزیزان شان نشستند. به دنبال کشته شدن تظاهر کنندگان اوضاع متشنج شد وهلیکوپترهای امریکایی در آسمان شهر به پرواز در آمدند و تاحوالی شام همچنان ناظر شهر به خون نشسته بودند. گفته می شود در این درگیری ها چندین تن از سربازان آمریکایی هم با پرتاب سنگ تظاهر کنندگان زخمی شدند اما خویشتن داری نشان دادند و دست به عکس العمل نزدند. هنگامی که شهر در آشوب گرفتار آمده بود، هیأت اعزامی دولت که در رأس آن نعمت الله شهرانی معاون ریاست دولت قرار داشت، والی جدید هرات آقای سید محمد خیرخواه را به شهریان هرات معرفی کرد.
ص۸

مسعود
و
جمعیت
ص۲



منار سپه سالار جهاد ومقاومت که در سومین سالروز شهادت قهرمان ملی گشایش یافت

مردم بدخشان:

دولت باید جلو فساد را بگیرد نه این که مشوق فساد باشد
ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

حوادث اسفناک هرات

بازده یک اقدام نا عاقبت اندیشانه

در پی صدور فرمان رئیس دولت مبنی بر تبدیلی محمد اسماعیل خان از سمت والی هرات به پست وزارت معادن وصنایع، وضعیت نه چندان آرام هرات بیشتر نا آرام وتشنج زده شد. این نا آرامی ها در روزهای ۲۱و۲۲ سنبله درگیری میان تظاهر کنندگان معترض بر تبدیل شدن اسماعیل خان و افراد اردوی ملی پنج کشته وبیش از چهل زخمی بر جای گذاشت و بر چند دفتر سازمان ملل متحد از سوی این تظاهر کنندگان حمله شد. هرات در طی نزدیک به سه سال حاکمیت دورهٔ موقت ودولت انتقالی با مدیریت محمد اسماعیل خان همواره در عرصه های آرامش و امنیت، رفاه وبازسازی بسیار خوب درخشیده و دست اوردهایی کلان در این عرصه ها داشته است، این یک ادعای خوش بینانه نیست بل حقیقتی است که بر آن خودی و بیگانه و دوست و دشمن گواهی داده اند.

رونق و شگوفایی هرات به دست محمداسماعیل خان این جا و انجا آتش حسودان او را بر افروخت. حسودان اسماعیل خان و دشمنان آرامش وسعادت مردم هرات، پیوسته برضد این روند شگوفایی رو به رشد هرات و موفقیت های اسماعیل خان دست به توطئه وخرابکاری زدند و یکی از زمینه های به کار بستن این توطئه وخرابکاری، حضور مسلحانهٔ امان الله زیرکوهی یکی از فرماندهان مشهور طالبان در ولسوالی شیندند بوده است، که گاه و بیگاه دست به اقدامات مسلحانه برضد حاکمیت دولت در هرات زده و ده ها تن از مردم بی گناه این ولایت را به شهادت رسانیده است. امان الله از آغاز دولت اسلامی در پس از فروپاشی رژیم کمونیستی و در زمان حاکمیت طالبان و بعد از به میان آمدن ادارهٔ موقت تا امروز با بر انگیختن حساسیت های نژادی و زبانی وتحریکات مسلحانه درجهت بی ثبات کردن اوضاع منطقه تلاش ورزیده است، متأسفانه در تلاش های مسلحانهٔ او به ویژه در یک ماه اخیر برخی از کسان در داخل دولت هم او را یاری رسانیده اند. او در این جنگ های ظالمانه ده ها نفر از مردم هرات را به شهادت رسانید و ده ها تن دیگر را تا هنوز در بند اسارت خود دارد. ظاهراً اسماعیل خان برای آرام کردن اوضاع و پایان دادن به درگیری های هرات، از سمت ولایت هرات به عنوان وزیر به مرکز کشورکابل فراخوانده شده است.

هرچند تبدیلی محمداسماعیل به روال طبیعی، مسأله یی بحث انگیز نیست ولی در زمان اقدام به این کار، دقت لازم وانصاف رعایت نشده است. برای دولت بایسته بود که جنگ های اخیر هرات را مورد بررسی قرار دهد و عاملان آنها را مجازات کند، نه این که به کاری اقدام ورزد که مردم آن را در حمایت از جنگ افروزان وامنیت بر اندازان تلقی کنند. اسماعیل خان توافق کرده بود که او به مرکز بیاید و در این جا با دولت به همکاری اش ادامه بدهد، و این کاری بود که باید پس از برگزاری انتخابات که زمانی زیاد به آن نمانده است انجام می پذیرفت.

اگر چنین می شد هرگز این حوادث دلخراش واسفناک، کشته وزخمی شدن شماری از هراتیان وحمله بر دفاتر سازمان ملل متحد توسط تظاهر کنندگان معترض روی نمی داد.

ما در حالی که کشته شدن شهروندان هراتی وحمله بر دفاتر سازمان ملل متحد را محکوم می کنیم اسماعیل خان را به عنوان یکی از سرداران جهاد آزادی و استقلال، وبازسازی وسازندگی کشور شایستهٔ تقدیر وتکریم می دانیم و از دولت مجدانه می خواهیم که به زودی جنگ افروزان و امنیت براندازان را مورد مؤاخذه قرار دهد. و امیدوار هستیم که آقای سید محمد خیرخواه والی تازه تقرر هرات که از شخصیت های کاردان کشور است راه محمد اسماعیل خان را در بازسازی وخدمتگزاری به مردم مسلمان ومجاهد آن خطه ادامه بدهد ومصدر توفیقات بزرگ به آنان شود.

آنگاه که مسعود به حکم تقدیر، با زندگی پرکشکش این دارفانی و یا به تعبیر حافظ این جهان سست نهاد، وداع گفت، داعیه داران تداوم راه او از طیف های مختلف بحث هایی زیاد را به مناسبت سالگردهای شهادتش عنوان کردند.

من هم به ویژه بعد از این که در تاریخچهٔ زندگی شهید مسعود در منارهٔ جهاد ومقاومت نامی از جمعیت به نظرم نرسید خود را ناگزیر دیدم، به بهانهٔ سومین سالگرد شهادت قهرمان ملی کشور عنوان «مسعود و جمعیت» را برگزینم، عنوانی که برخی آگاهانه یا نا آگانه به این پندار که گامی در ساحت چهره نگاری مسعود برداشته باشند، بررسی شخصیت او را در چارچوب جمعیت اسلامی افغانستان، گهوارهٔ پرورش سیاسی وفکری او، نادیده انگاشته وتلاش هایی به خرچ داده اند تا مسعود را در چهره یی به تصویر کشند جدا از سازمانی که در آن پرورش دیده است.

از آنجا که افغانستان در چند دهه از تاریخ سیاسی معاصر خویش، کانون داغی برای مبارزه میان باورهای همخوان وهمسو با سرشت عقیدتی مردم وایدئولوژی های متضاد با پیشینهٔ تاریخی و باورهای اسلامی این کشور گردیده بود، پیامد این رویا رویی فکری همان شد که جوانان مسلمان بحیث نخستین نهاد جمعیت اسلامی افغانستان در مرحلهٔ درخشش آن در عرصهٔ مبارزات اسلامی جوانه زد.

آنچه در این نوشتار می خواهم بر آن تأکید ورزم این است که بسا نویسندگان و پژوهشگران در پیرامون قضایا وبازیکران مبارزات اسلامی در چند دههٔ اخیر تاریخ سیاسی این کشور، بدون این که در چهره نگاری شخصیت ها و ترسیم قضایا، خاستگاه ریشه یی آن ها را به بحث گیرند، بیشتر خیال پردازی به کارهای پژوهشی آنان سایه افگنده است تا بهره جستن از اسلوب ها و روش های علمی.

چیزی که در این راستا می توان بحیث یک نمونه، بر آن انگشت گذاشت همانا ریشه یابی شخصیت ها و بازیگران مبارزات اسلامی افغانستان در پهنای نهضت اسلامی است.

پرسش پایه یی واساسی که در این راستا در اذهان مطرح می شود این است که آیا سازمانی و یا تشکیل مشخصی درعرصهٔ مبارزات اسلامی افغانستان بنام نهضت اسلامی دیبای هستی را به تن کرده است تا عروج و افول مبارزات ملت مسلمان افغانستان وقهرمان های جهادی آن را در آن چارچوب بتوان به خوانش گرفت؟

بیجا نخواهد بود اگر همهٔ جریان های اسلامی یک کشور از جمله افغانستان را در زیر چتر نهضت اسلامی بخوانش گرفت وکشش و گیرایی اندیشهٔ حاکم بر آن ها را در راستای رهایی توده ها از بندها وزنجیر ها مورد بحث وپژوهش قرار داد.

اما برآمدن از عهدهٔ ترسیم واقعی چهره های بازیگر در یک جریان را نمی توان در زیر سقفی به این پهنا و درازا انجام داد.

کالبد شگافی چهره های بارز در جریان های سیاسی تنها در چارچوب همان جریان مربوط - چه چپ و چه راست - با در نظر داشت نقاط قوت وضعف آن ها، می شود به صورت دقیق انجام یابد. برای شناخت واقعی شخصیت وچهره های شاخص وکالبد شگافی آن ها وتبیین نقش شان در عرصهٔ زندگی ملت ها، همواره یک اصل مسلم بخوانش گرفته شده است که می گوید:

محیط مساعد واستعداد ذاتی بحیث دو عامل پایه یی اثر گذار در تکوین شخصیت ها بحساب می روند.

اکنون در روشنایی اصل یاد شده می



خواهم محیط رشد سیاسی شهید مسعود را به بحث گیرم.

مسعود بنا بر روایت یکی از یاران دوران مقاومت او، خود را یک جوان مسلمان غیر وابسته معرفی و آشنایی با انجینیر حبیب الرحمن شهید را عامل اثر گذار در دگرگونی زندگی خود معرفی کرده است.

از آنجا که من از یاران همراز انجینیر حبیب الرحمن در چارچوب جوانان مسلمان وجمعیت اسلامی افغانستان بودم بی جا نخواهد بود اشاره یی داشته باشم به انجینیر حبیب الرحمن - مشهور به مولانا - که او چه جایگاهی در میلن جوانان مسلمان وجمعیت اسلامی

> **اما این سخن مسعود که او یک جوان مسلمان غیر وابسته بوده است و آن دستاویزی برای برخی ها بدین مفهوم شده که گویا او عضویت هیچ سازمان سیاسی را نداشته است، ریشهٔ این سخن را باید، در عدم آگاهی این گونه اشخاص از فرهنگ حاکم سیاسی آن وقت درمیان مراکز علمی جستجو کرد**

افغانستان داشت؟

شهید انجینیر حبیب الرحمن یکی از بارز ترین، آگاه ترین وبا نفوذ ترین اعضای شورای شش نفری رهبری دانشجویی بود که در اجتماع برگزار شده از طرف محصلان- بنا بر روایت مرحوم شهید عبدالرحیم نیازی که به مشورهٔ استاد ربانی صورت پذیرفته بود- در مسجد پولی تخنیک انتخاب شدند.

واما جایگاه او در جمعیت اسلامی افغانستان:

بعد از این که دامنهٔ مبارزات اسلامی در سر تاسر کشور گسترش یافته وهمه جریان های سیاسی چپ و راست آن وقت را با تکیه بر اندیشهٔ اسلامی به انزوا کشانیدند. در اذهان همه این احساس جوانه زد که به خاطر اقناع ذهنیت مراکز علمی و عامهٔ مردم، باید رهبری شناخته شده یی برای این جنبش اعلان شود همان بود که سه ماه قبل از کودتای داوود خان در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ شورای مرکب از برخی استادان وشورای رهبری دانشجویی آن وقت - جز انجینیر گلبدین ودکتر محمدعمر که در آن وقت در زندان بودند وتعدادی از محصلان دیگر - درحصهٔ اول خیرخانه در منزل استاد ربانی تشکیل گردید که در آن مجلس افزون بر تعیین رهبر ومعاون، انجینیر حبیب الرحمن شهید به حیث منشی برگزیده شد.

نکته یی را که می خواهم در این جا مورد تأکید قرار دهم این است که این اثر گذاری انجینیر حبیب الرحمن شهید در مسیر زندگی مسعود در وقتی انجام پذیرفته است که او بحیث منشی جمعیت ایفای وظیفه می کرده است.

بناءً او از همان وقت عضویت جمعیت راکسب کرده و در بخش نظامی هم شهید مسعود به دستور وی کارهایی را به انجام می رسانید.

با تأسف باید یاد نمود که حلف نامه های شاگردان ومحصلان همه بعد از گرفتاری انجینیر حبیب الرحمن با پخش یک خبر دروغ توسط شخصی سوزانده شد که هنوز هم مورد سؤال است. اما این سخن مسعود که او یک جوان مسلمان غیر وابسته بوده است و آن دستاویزی برای برخی ها بدین مفهوم شده که گویا او عضویت هیچ سازمان سیاسی را نداشته است، ریشهٔ این سخن را باید، در عدم آگاهی این گونه اشخاص از فرهنگ حاکم سیاسی آن وقت درمیان مراکز علمی جستجو کرد، جوانان مسلمان گروهی چپ وراست را محکوم به وابستگی می کردند ومی گفتند که ما به هیچ جهت خارجی وابسته نیستیم.

اما شناخت من از مسعود:

پیش از آن که در اواخر سال ۱۳۵۶ با مسعود بعد از آمدنش از پاکستان در کابل از نزدیک شناخت پیدا کنم چندین بار از طرف استاد سیاف در زندان می شنیدم که از من می پرسید احمدشاه آمده است یا خیر؟ و آیا با شما تماس گرفته یا نه؟

اما در اواخر سال ۱۳۵۶ در ماه حوت زمانی که من از تخار بعد از رخصتی به کابل آمدم و در منزلی که مربوط به خود من وچند برادر دیگر بود با او معرفت حاصل کردم او بعد از این که معرفت ابتدایی حاصل شد به من گفت که نام مستعار من در اینجا مأمور قاسم از کارمندان وزارت زراعت است. متوجه باشید نام من افشا نشود.

او در این سفر خود به کابل حامل پیامی از طرف رهبر جمعیت به برادران بود و اوضاع پیشاور را که بسا برادران از آن آگاهی نداشتند تشریح نمود که ما هم در روشنایی آن، کارهای خود را سر از نو سازماندهی کردیم.

و در اولین جلسهٔ شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان ص۳

در فرهنگ دینی ما جنگ نه برای ...

انجنیر احمدشاه مسعود قرار داریم، بدین مناسبت به روح پاک آن شهید قهرمان وبه روح همه شهدای کلگون کفن افغانستان، شهدای دوران جهاد ومقاومت دعا نموده و از بارگاه ایزد منان می طلبم که برای همهٔ شان دربهشت برین جایگاهی شایسته عطا فرماید.

مردان بزرگ و آنهایی که در عرصه های سیاسی، اجتماعی واقتصادی آرمان های بزرگی دارند، از افتخارات تاریخی ملت ها محسوب می شوند وجایگاه خاصی در تاریخ ملت خود دارند، اما آزاد مردانی که در راه دفاع از آزادی واستقلال، در راه دفاع از تمامیت ارضی وحاکمیت ملی در سنگرهای داغ جهاد ومقاومت برای رهایی ملت های خویش مبارزه می کنند، جایگاهی خاص تر دارند بخصوص آنهایی که در سنگرهای پر افتخار جهاد ومقاومت جان های شیرین خود را از دست دادند، در ضمیر و وجدان ملت های شان نسل اندر نسل و در اعماق تاریخ ملت های شان باخطوط زرین نام شان درج خواهد بود، البته این حقیقت را ما در تاریخ وفرهنگ دینی خود می دانیم که خداوند«ج» از پیشوایان هدایت گر ونجات بخش بشریت انبیاعلیهم السلام که در راه رهایی ملت ها مبارزه کردند به نیکی یاد می کند ویکی از خصوصیت های عمده یی را که به ارتباط مبارزهٔ انبیا (ع) قرآن کریم تذکر می دهد این است که می فرماید: **(ویضع عنهم اصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم.)**

ازدست و پای بشریت غل ها وزنجیر های انحراف، استبداد، عبودیت و بندگی غیر خدا را می شکنانند وبشریت را نجات می دهند، مبارزان راه آزادی آنها یی که در برابر تجاوزات خارجی و استبداد داخلی مبارزه می کنند این ها درست در مسیر فرهنگ والای دینی خود حرکت می کنند و در راه انبیا (ع) گام برمی دارند.

انجنیر احمدشاه مسعود یکی از چهره های تابناک و پر درخشش کشور عزیزمان است که در روزگار سخت وبحرانی درمیدان های نبرد با دلیر مردان مجاهد وشیر زنان مقاوم کشور با فرزندان دل دادهٔ آزادی واستقلال افغانستان کوه به کوه و دره به دره باگام هایی استوار وارد عرصهٔ پیکار ومبارزه شد وتالحظه یی در این راه، گام برداشت که به دست دشمنان آزادی واستقلال، به دست انسان های کور دل وجاهل و به دست دشمنان دین و وطن جام شهادت نوشید. روحش شاد ویادش همیشه جاوید باد!

امروز انجنیر احمدشاه مسعود درمیان ما نیست اما حماسه های تاریخی او و آرمان بزرگ او در ضمیر ملت ما و در ضمیر یاران همسنگرش، در ضمیر برادران وخواهران مجاهد ما وملت قهرمان ما قرار دارد و آرمان او آرمان ملت ما بود، آرمان او پیام ارزش های دینی بود، آرمان او فرهنگ باعظمت ملت افغانستان بود او در برابر تجاوز خارجی مبارزه کرد و وارد یک پیکار اسلامی شد.

انجنیر احمدشاه مسعود تنها یک سنگر دار ویک قهرمان سنگر نبود او مردکار ومردبازسازی بود، من به خاطر دارم در روزهایی که او در برابر دشمن تجاوزگر قرار داشت پیام صلح را به گوش اتحاد شوروی وسربازان مهاجم رسانید ونشستی به این ارتباط یعنی به میان آمدن صلح در افغانستان داشت از این سبب غوغایی به راه افتاد که گویا انجنیر مسعود جنگ را

> **آنها یی که در برابر تجاوزات خارجی و استبداد داخلی مبارزه می کنند این ها درست در مسیر فرهنگ والای دینی خود حرکت می کنند و در راه انبیا (ع) گام برمی دارند**

ترک گفته است در حالی که اصلاً در فرهنگ دینی ما جنگ برای جنگ نیست، جنگ برای صلح است، جنگ برای دفاع از استقلال و آزادی وحریت است.

در مراحل مختلف دیگری انجنیر شهید، در دوران آشوب گری هایی که حکمتیار داشت و در دوران تهاجم طالبان بار دیگر به حیث یک دعوت گر صلح، خطرها را به جان نازنین خود قبول کرد و در مجالس مختلف حضور یافت، تا شود که صلحی در کشور استقرار یابد. ملت افغانستان به همت همین قهرمانان بزرگ خود در آزمون بزرگ تاریخی و در آزمون جنگ، به پیروزی رسید، ولی امروزما در برابر آزمون صلح قرار داریم، آزمون صلح مشکل تر از آزمون جنگ است. در دین ما دو نوع امتحان الهی است. اول امتحان در برابر مصیبت و دیگری امتحان در برابر نعمت.

محققان مسلمان می نویسند که مقاومت در برابر آزمون مصیبت خیلی ها آسان تر است نسبت به مقاومت در برابر آزمون نعمت. خدا کند که در آزمون صلح به شکست رو به رو نشویم.

انجنیر شهید مانند سایر همرزمانش خواهان وحدت ملی بود، اما وحدت ملی که خواست همهٔ ماست بدون مشارکت ملی وبدون عدالت اجتماعی به میان نمی آید. ما باید بکوشیم که وحدت ملی را از طریق مشارکت ملی و از طریق عدالت اجتماعی تأمین کنیم. ما وارد مرحله یی جدید از حیات سیاسی خود می شویم. یقیناً دشمنان افغانستان نمی خواهند از این تجربهٔ جدید، ملت افغانستان کامیاب بیرون شود. قسمی که دوستان اشاره کردند شاید توطئه های آشکار وپنهانی باشد که ما نتوانیم در فضای صلح آمیز انتخابات را به پایان برسانیم.

رسالت همهٔ ما و ملت ما و رسالت همهٔ مجاهدان اصیل ومؤمن افغانستان است که اجازه ندهند هیچ بدامنی در دوران انتخابات به میان بیاید. زیرا انتخاباتی که در محیط امن برگزار می شود ضامن آبروی ملی وثبات سیاسی در کشور است.

سنگر داران عزیزی که خود را رهروان راه مسعود شهید عنوان می کنند، پیام من برای شان این است، گرچه زخم زبان ها، طعنه ها وبدبینی هایی رامی شنوم که به سوی شان حواله می شود، اما به هر حال توصیهٔ من به آنان این است که حوصلهٔ خود را از دست ندهند و باهمت وایمان، با صبر واستقامت، در راه تامین امنیت وصلح وثبات در کشور، وبرای وحدت وهمبستگی افغانستان جداً مبارزه نمایند. دیروز به قیمت خون شهدای بزرگ کشور، آزادی افغانستان را حاصل کردیم، امروز هم باید در اثر کار، پیکار وعرق ریزی امن وثبات را در کشور به میان بیاوریم.

به یاران همسنگر شهید بزرگ وهمهٔ مجاهدان وسنگر داران، توصیهٔ من این است، زمانی که از شهید قهرمان خود یاد می کنند تنها به تصویرش اکتفا نکنند، بلکه فکر، ذهن واندیشهٔ او را در زندگی شان الگوی خود بسازند. همچنان از همهٔ دوستان عزیزی که این اجتماع پرشکوه را به ارتباط تجلیل از مجاهدان وقهرمانان تدویر کردند، صمیمانه اظهار سپاس می کنم وبه روح همهٔ شهدای بزرگ، یاران همسنگر شهید مسعود برادر ذبیح الله شهید، علاء الدین شهید، مزاری شهید، قاضی اسلام الدین شهید وهزاران شهدای جهاد ومقاومت اتحاف دعا می کنم.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

مسعود و ...

به تاریخ ۱۵ قوس ۱۳۶۲ در قریهٔ شرشر ولسوالی اشکمش ولایت تخار که به اشتراک تعدادی از برادران از جمله برادر شهید آرین پور، سر معلم طارق و انجنیر روئین دایر گردیده بود در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا تشکیل این نهاد را نمی توان یک عمل انشعابی تلقی کرد نامه یی از استاد را در رابطه به تشکیل آن ارائه نموده و حرف هایی گفت: و این همان نامه یی است که از طرف استاد توسط انجنیر سید محمد روئین در سال ۱۳۶۲ عنوانی انجنیر مسعود ارسال گردیده و در کتاب نامه های مسعود بزرگ هم اشاره یی بدان رفته است.

بعد از برقراری حکومت مجاهدین در کابل در سال ۱۳۷۱ در اولین شورای اجراییه جمعیت که به اشتراک شهید مسعود و سایر برادران اعضای شورا در کابل دایر گردیده بود آمر صاحب گفت بعد از این، شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان منحل است، شورا حیثیت کفش تنگی را داشت که در جبهه از ان استفاده می کردیم حالا همه در چهارچوب جمعیت به کار شروع می کنیم به تعقیب این جلسه از طرف استاد وشهید آمر صاحب، استاد توانا ، دکتر عبدالرحمن، محمد یونس قانونی، مولوی حکیم کنری و نویسندهٔ این یادداشت ها موظف شدیم که اساسنامهٔ جمعیت را مطابق به شرایط جدید باز نگری کنیم.

۳ بعد از انجام این کار - که مدت زیادی را هم بخاطر حاکمیت حالت جنگی ومشغولیت برادران در بر گرفت- به صورت موقت تا تدویر کنگرهٔ جمعیت، استاد توانا به حیث معاون علمی و مرحوم استاد سائف بحیث معاون اداری و نویسندهٔ این سطور به حیث منشی و فضل الرحمن فاضل به حیث مسؤول کمیتهٔ فرهنگی وعبدالحفیظ منصور به حیث مدیر مسؤول جریدهٔ مجاهد تعیین شدند و کار های جمعیت در زیر نظر استاد و آمر صاحب ادامه یافت.

و حتی بسا اوقات کار های جریدهٔ مجاهد را خود از نظر می گذراند بعد از این که کار های جمعیت در بخش های فرهنگی گسترش یافت بار دیگر درسال ۱۳۷۳ ضمن مجلسی در جبل السراج تحت ریاست استاد و به اشتراک شهید آمر صاحب، مرحوم داکتر عبدالرحمن، محمد ابراهیم ورسجی، شهید عزیز مراد و دکتر لفرایی صورت گرفت آمر صاحب بار دیگر تجدید نظر در اساسنامه را پیشنهاد کرد، وبعد از تأیید استاد من مؤظف گردیدم همراه با برادران دکترلفرایی وحبیب الله غالب و ورسجی در این مورد کارنمایم.

بعد از آن تاریخ، شهید آمر صاحب بحیث مسؤول تشکیلات جمعیت خود به صورت جدی به کار آغاز نمود ومرحوم دانشیار را به حیث معاون خود در بخش تشکیلات جمعیت تعیین کرد.

وخود فیصله نمود که به خاطر جلوگیری از تشتت و پراگندگی باید مصارف بخش تشکیلات را هم که برخی ها گمان می کردند که گویا تشکیلات به حساب شورای نظار است، از طریق دارالإنشاء جمعیت اجرا شود و تا سقوط کابل کارهم به همین منوال ادامه داشت و قرار بر این شد که مصارف کمیتهٔ سیاسی هم که مسؤولیت آن را دکتر عبدالرحمن به عهده داشت، ازطرف کمیتهٔ مالی جمعیت اجرا شود و در بخش تدویر کنگرهٔ جمعیت ضمن تماسی که باهم داشتیم اعضای کنگرهٔ جمعیت را متناسب به نفوس جمعیت در ولایات به سه کته گوری تعیین کردیم گذشته از همه آنچه گفته آمد نامه های شهید مسعود عنوانی استاد ربانی به عنوان رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و تقدیم گزارش جبهات ومصارف آن ها به رهبری جمعیت خود گواه زنده یی است بر این که شهید مسعود در جمعیت رشد نموده وفضای بازجمعیت منجر به آن شد که استعداد او در عرصهٔ ابتکارات رزمی ورهبری توده ها درخشش پیدا نماید وقهرمان شود در عرصهٔ مبارزات بیگانه ستیزانهٔ ملت در برابر دشمنان.

آری! همین فضای باز جمعیت بود که شخصیت هایی چون امیر اسماعیل خان ، شهید صفی الله افضلی، شهید ذبیح الله ، شهید طارق، شهید آرین پور و شهید معلم نیک محمد و ده ها شخصیت دیگر تبارز نموده اند که صفحات تاریخ جهاد افغانستان به نام ها وکارنامه های آنان آزین یافته است.

مردم بدخشان:

دولت باید جلو فساد را بگیرد نه این که مشوق فساد باشد

در پی یورش جمع غفیری از شهروندان خشم آلود ولایت بدخشان بر دفتر بنیاد انکشافی آغاخان در شهر فیض آباد مرکز آن ولایت به روز سه شنبه هفدهم سنبله، آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان با صدور اعلامیه یی، این عمل اهالی بدخشان را به شدت محکوم کرد و آن را حرکتی توطئه آمیز، بر ضد منافع ملی ، حاکمیت دولتی و بازسازی افغانستان خواند و هیأتی را نیز موظف کرد تا در این زمینه تحقیق کند و عاملان این یورش را به پنجه قانون بسپارد.

به این کار کارمندان این دفتر، بر پنج دختر جوان افغانی که آنان را به وسیلهٔ مواد الکلی و مسموم کننده مدهوش ساخته بودند، تجاوز جنسی نموده اند، و به دنبال انتشار این خبردر شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان، شمار زیادی از مردم خشم آلود آن منطقه به دفتر متذکره حمله برده شیشه های ساختمان، وسایل کامپیوتری و دیگر مواد دفتری آن راشکستاندند، کارمندان این دفتر ادعا کرده اند که در حدود یک میلیون دالر آمریکایی به مؤسسهٔ مربوط شان، خسارات وارد آمده است.

البته این اولین بار نیست که یک مؤسسهٔ به ظاهر کمک رسانی غیر دولتی به چنین عملی شنیع دست می یازد و آخرین بار نیز نخواهد بود، در گذشته ها نیز خبرهایی به صورت رسمی و غیر رسمی ، از وقوع چنین حوادث در دفاتر مربوط به مؤسسات خارجی و انجو ها وجود داشته است که دولت ومسؤولان امور در هیچ موردی برای جلوگیری از آن دست به اقدام نزده اند، و این امر باعث شده است که بیشتر از پیش برخی از مؤسسات خارجی و انجو ها به کانون های هوسرانی تبدیل شوند تا کمک رسانی و بازسازی افغانستان! سخنان شدید رئیس دولت در محکومیت اهالی خشم گین بدخشان آنان را بیشتر خشمگین ساخته است چون وی تنها مردم را نکوهیده است و از تجاوز خارجیان بر عفت وناموس زنان آنان سخنی نگفته است و آنان می گویند که دولت باید جلو فساد را بگیرد نه این که مشوق فساد باشد.

سوگ سپیدار

عبدالغفور آرزو

چگونه جنگل انبوه را زدند آتش
چسان صلابت یک کوه را زدند آتش
چگونه در دل امواج پرتلاطم عشق
حماسه پرور نستوه را زدند آتش
چرا؟ چگونه تبر پروران چقماقی
بنای همت بشکوه را زدند آتش
چسان به سوگ سپیدار سر و هم فریاد
به عمق عاطفه اندوه را زدند آتش
درفش عشق بلند است و آسمان گریان
زمرگ آرش آتش نفس، کمان گریان
قسم به آتش ققنوس پرور جنگل
قسم به سورهٔ سر سبز دفتر جنگل
درفش عشق بلند است از تداوم راه
چنین نوشته چنین کلک باور جنگل
به سنگ سنگ وطن درس استقامت داد
به اوج لاله ترین فصل، رهبر جنگل
ز برگ برگ درختان چکد، چکامهٔ خون
گرفته سیل شقایق سراسر جنگل
درفش عشق بلند است و آسمان گریان
زمرگ آرش آتش نفس کمان گریان
اگر عقاب پر افشاند، کهکشان باقی است
و راز رونق پرواز همچنان باقی است
خروش موج بلند است وناخدا خاموش
ولی به وسعت دریای بیکران باقی است
نشان روشنی مرز عشق، ناپیداست
بیاد آرش آتش نفس، کمان باقی است
به دره درهٔ این سرزمین آتش وخون
غریو غیرت مسعود قهرمان باقی است
درفش عشق بلند است و آسمان گریان
زمرگ آرش آتش نفس، کمان گریان

دو دههٔ اخیر و چند ویژگی داستانهای کوتاه در افغانستان ۲

محمد اسحق فایز

نکتهٔ مهمی را که دراین باب باید گفته آمد، این است که آنچه را برای داستان های کوتاه امروز و حتی رمان های امروز افغانستان به عنوان ویژگی می آوریم، درباب تعداد زیادی از داستانهای نگاشته شده در گذشته نیز صدق می کند .

ساده نویسی که اکنون روی آن بحث می کنیم ، چیزی است که پیش کسو تان عرصهٔ داستان و داستان کوتاه نویسی درافغانستان به آن توجه داشته و به آن پرداخته اند . آنچه از این بزرگان داستان نویسی افغانستان به مامانده است، این نکته را مسجل می سازد .

باری علامه محمود طرزی که بی گمان او را همگان پدر ژورنالیزم افغانستان می دانند و خود از روشنگران و پیش قراولان عرصهٔ نویسندگی درافغانستان بودند، نیز به این نکته توجه و اهتمام بسیار داشتند تا آنجا که فرموده بودند باید زبان گفتاری را در نوشتار راه داد.

نکتهٔ مهمی که در این راستا در توجیه این ادعا تأکید شده است این است که چنین کار کردی نوشته را قابل فهم لایه های پایینی جامعه می سازد و برای اه اف نویسنده که رسانیدن پیام به مردم است، ممد واقع می گردد. علامه محمود طرزی نوشته است "رای عاجزانهٔ من همین است که تا می توانیم تحریر و تقریر خود مان را به هم نزدیکی بدهیم. یعنی باید هر آن چیزی را که می خواهیم به زبان بگوییم عیناً به قلم هم گفته بتوانیم" (۱).

پندار من از آوردن این تأکیدات علامه طرزی ، توجیه این نکته است که ساده نویسی برای جلب وجذب مخاطبان فوق العاده سودمند است که نویسنده گان داستان و داستان کوتاه درکشور ما به آن ها پرداخته اند .

اما استاد اعظم رهنورد زریاب که از اساتید و بزرگان عرصهٔ داستان نویسی در کشور ما اند، اندر این باب نظر دیگری دارند، ایشان به این باور هستند که راه دادن شیوهٔ گفتاری و آوردن مصطلحات عامیانه در داستان و داستانهای کوتاه مسالهٔ فهم را پیچیده می کند و این کار با ساده نویسی مغایرت دارد.

استاد زریاب دلیل می آورند و می گویند که هر گاه نویسنده یی از بدخشان بخواهد داستانی بدان اوصاف (با زبان گفتاری و مصطلحات مردم بدخشان) بنویسد، فهم آن برای خوانندگان داستان در کابل و جاهای دیگر مشکل آفرین است و نویسنده باید در پایان داستانش چیزی در تعریف آن تعابیر اصطلاحات بنگارد.

برای آوردن نمونه دراین خصوص ضرورتی موجود نیست . بهترین نمونه های داستان های کوتاه درافغانستان آثاری است که به قلم نویسندگان توانای کشور مان دراین عرصه همچون نجیب الله تورا و ایانا ، دکتر اکرم عثمان ، استاد رهنورد زریاب سپوژمی زریاب و .. ایجاد شده و خوشبختانه اقبال چاپ یافته اند .

شیوهٔ نگارش وزبان داستانهای استاد زریاب و دکتر اکرم عثمان درمیان همهٔ خوانندگان وعلاقه مندان داستان کوتاه درافغانستان شناخته شده و پسندیده است و می توان آن را تاحد مناسبی ساده دانست .

زبان داستانهای این نویسندگان زیبا، شسته وفصیح است ومی توان ازآنها به عنوان نمونه هایی بارز والگو دراین مقال نام برد.

تنوع و تازگی مضمون (درونمایه)

دومین ویژگی داستان های کوتاه نوشته شده در دو ده سال گذشته را می توان "تنوع و تازگی مضمون" درداستانها عنوان کرد، واین تنوع وتازگی مجال آن را داده است تا نویسندگان ما بتوانند درزمینه های گوناگون دید گاه های شان را در نوشته های شان القا کرده و به خوانندگان شان ارائه بدارند .

ناگفته پیداست که هر داستانی بربنیاد مضمون و سوژه یی ایجاد می گردد واین مضمون وسوژه است که خواننده را در عمق رویداد ها و حوادث می برد و دراین میان پر سوناژ ها (قهرمانان داستان) با گفتگو های شان در شکل گیری داستان کمک می کنند و درحقیقت به کمک این گفتگو ها است که نویسنده به طور اکثر ذهنیت خود را برای خوانندگان انتقال می دهد وکارآگاهی رسانیدن والقای دریافت هایش را انجام می دهد .

نگرشی کوتاه به داستانهای چاپ شده در ده سال اخیر نشان می دهد که نویسندگان، درنوشتن داستانهای شان به تنوع وتازگی مضمون توجه کرده اند ، یک نکته را باید به صراحت نوشت و آن این که بیشترین داستانهای نگاشته شده در سالهای اخیر، همانهایی اند که در خارج از کشور در دنیای مهاجرت وغربت از سوی نویسندگان افغانستان نگاشته شده اند که زندگی افغانها را در دنیای مهاجرت رقم زده است.

درونمایهٔ داستانهای این چنینی، بیشترینه در پیرامون زندگی مهاجران و غربت زدگی های شان است و می دانیم که اندوه و غمی آشکار در درون این داستانها خواننده را می پیچد و با خود می برد. تراژیدی درونمایه یا theme ، این داستانهاست .

به همین گونه شمار زیادی از داستانهای نگارش یافته درداخل کشور به علت درد ومصیبت فراوان مردم، در طول سالهای جنگ ، بیانگر اندوه و شکست ها ومصایب فراوانی است که مردم ما را احاطه کرده بود و این درحالی است که نمی توان از رگه های طنز آلود دربرخی از داستانهای نویسندگان مان چشم پوشید.

یأس و حرمان زدگی بیشتر از خوشبینانگی، درداستانهای این دوره به چشم می خورد که با توجه به اوضاع و احوال بد و دشوار سالهای جنگ واثرات روانی جنگ بر روان های ما افغانها ، طبیعی هم می نماید .

ادامه دارد

د توری او قلم اتل

د خوشحال بابا لنډه پیژندنه

ش - زیارمل

خوشحال خان ختك دهند دمغلي پاچا نورالدین جهانگیر دسلطنت په دوره کي په(1022) هجري قمري کال د دویمي خور په میاشت کي زیږیدلی دي. اصلي ټاټوبي ئي اکوړه نوميږي، ملك اکوړي داکبر پاچا په دوران کي دخپل لیاقت په وجهه دختکو دمشر په توګه ټاکل شوي و. دخوشحال خان پلار شهباز خان او نیکه ئي یحي خان د مغلو دامپراطوري منصبداران وو.

جلال الدین اکبر ملك اکوړي ته خیر آباد نه تر نوښاره پوري علاقه په جاګیر کي ورکړي وه. سر بیره پردي، اکوړي ته دا امتیاز هم ورکړي شوي و چي پادشاهي لاره باندي دخاره یو دتګ راتګ محصول ټول کړي او سرك وساتي.

خوشحال په شپږ کلنی کي په لنډي سیند کي ډوب شوي و خو وژغورل شو. خوشحال 13 کلن و چي بهاکو خان یوسفزي دختکو دبولاقو په کلي یرغل وکړ شهباز خان له لښکر سره چي خوشحال هم په کي و. مقابلي ته ورغي، خوماتي ئي وخوړه ختك په هغي وخت کي دمغلو پلویان وو.

خوشحال په سل کلني کي دشعر په ویلو پیل کړي لکه چي وائي:

زما عمر په حساب تر شلو زیات دي
دعشق غم به مي په لړ کاله کي زوړ کا

کله چي اورنګ زیب پاچا شو نو په لومړي سر کي ئي له خوشحال خان سره اړیکي ښي وي، خو څه موده وروسته د دواړه ترمنځ دمناسباتو فضا خړه پړه شوه چي په پایله کي ئي خوشحال په 1074 هجري قمري کال دمغلو په بند بندي شو او دوه نیم کاله ئي د ډیلي او جیپور په بندیخانو کي تیر کړل اوبیا اکري ته ولیږل شو او هلته له بندنه خلاص شو او نوره بیا دخوشحال مبارزه ډاګي شوه چي د هغه له دغه شعر څخه معلوميږي:

پس له بنده دي داعزم
دخوشحال دخاطر جزم
یانیولي مخ مکي ته
یا مغلو سره رزم

ده له مغلو سره بي شمیره جنګونه وکړل او په هرځاي کي ئي ماتي ورکړه او تر وروستي وخته هغوي ته تسلیم نه شو او خپل مخالفت ته ئي دوام ورکړ.

دخوشحال خان د ژوند وروستی برخه هم په ډراماتیك ډول پاي ته ورسیده دهغه زوي بهرام مغلو ته دخپلي وفاداری دثبوت له پاره هڅه کوله چي خپل پلار ګرفتار کړي او خپل ورونه و وژني خوشحال خان مجبور شو او له خپلو نورو دوو زامنو سره ئي اپریدو ته پناه یووړه او هلته په(1100) هـ ق کال د دویمي خور په 28 نیټه دارمانونو ډك زړه ګورته یووړ. او دپښتنو دنړی ستر مفکر دغره په یوه ګوښه کي له دنیا نه سترګي پټي کړي چي په خپله وروستی سلګي کي ئي ویلي دي:

دخوشحال قدر که اوس په هیچا نشته
پس له مرګه به ئي یادکا ډیر عالم

دمستر راورټي انګریزي ختیځ پیژندونکي له خولي خوشحال ډیر زیات اثار لیکلي دي چي له هغو څخه دا لاندي آثارئي موږ ته معلوم دي دخوشحال دیوان، بازنامه، هدایه، آینه، فضل نامه، سوات نامه. طب نامه، فرخنامه، فراقنامه، دستار نامه، بیاض او یو شمیر نور آثار دي.

او داهم دخوشحال خان ختك یو خوندور شعر:

دنیائي یاران چي طمع د دنیاکا
عاقبت په یوه طمع خان جدا کا
دیدني یاران په کار دي په دنیا کي
چي یاري د دیدن په تمنا کا
که په خپله رضا درومي چاره نشته
که زما په رضا درومي خونه به راکا
په بار بار دهغه باد منت راباندي
چي پلو په مخ نیولي مخ ني واه کا
صد رحمت دعاشقانو په همت
چه په طمع د دیدن دسر سوداکا
په رقیب به ئي بي تیغه مرګ رواشي
که دلبره دخوشحال مقصود رواکا

د شهید مقام

محمد اکرم وفادار

شهادت و یو نعمت دي درحمن
خو پیروزپه هغه کیږي چه شي ګران
دهیواد د آزادي دلار مشعل وه
آبادي د ګران وطن ئي ستر آرمان
سرلښکر دقافلي د آزادي وه
لارښوونکي وه ددغه ستر کاروان
کلک ایمان او عقیده ئي وه راسخه
ځکه ډیریي وبي شمیره غلیمان
توطیه دشهادت شوه ورته جوړه
کړه خوشحال ئي پري ټول واړه رقیبان
شي سرلوړي به تاریخ په کارناموبي
دملي ناموس چي چاکړ خان قربان
ابدي ژوندون رضا د پاک الله شي
تل به یادشي د دي لاري شهیدان
په قدم به دي قدم ږي بیرته نه ځي
ټول دستا د پاکي لاري لارویان
په قلم او په کاغذ کله پوره شي
کارنامو سره که یادکړي اتلان
زمانه ئي خپله غیره کښي رالوي کړي
افتخارم بیا د تاریخ شي ښه عیان
وفاداره تل قلم په لاس کښي اوسه
یادوه پري د وطن واړه غازیان

د اتل او
شهید مسعود
په یاد

پامیر

یو متل دی چې وائي: «مرد وژنه خو مردي ئي مه وژنه» اروابناد احمدشاه مسعود هم له دغه راز نارینه میړونو څخه و. د تینګک او پولادي عـزم خاوند. دهیواد، اسلامیت او افغانیت لـه دښمنانو سره نه پخلا کیدونکي څیره، دمقاومت او جهاد اتل او هغه څوك و چې ترپایه ئي دخپل سر لوړي هیواد په غرني او ستراتیژیکه سیمه(پنجشیر) کې ژوند وکړ، نه ئي دچا دیکتې واخیسته او نه ئي د هیواد دخمکني بشپړتیا د دښمنانو قوماندو او دستور ومانه.

مور د دغـه قهرمان مړینـه. چې د افراطیت او استبداد په تورو لاسونو ترسره شوه. دهیواد په تاریخ کې ستره ضایعه بولو. او په دې باور یوو، ترڅو چې نړۍ وي، مسعود به دهیواد د اتلانو په کتار کې تل دخلکو په یاد او تل به ورته د درناوي سرونه ټیټیږي.

مسعود هغـه ستر او با ثبات شخصیت و چـې کلونـه کلونـه د سرې خور کمونیزم لـه سور خامار سره وجنګیده. دهغوي تاولي قدم ئي خپل پلرني ټاټوبي پنجشیر تـه پرې نښود او نـه ئي دهغوي غوښتنوتـه دخپل غرور سرټیټ کړ. دوي په خپلـه سیاسي پوهـه او درایت سره نـه یـواځي دیوی سیمي او یا یو تنظیم قوماندان و، بلکې دوي دهیواد د ټولو قومونو په زړه کې ځاي درلوده. نو ځکـه خو ورتـه د پامیر زمري ویـل کیـده او دسیمي خلکـو ورتـه نـه یـواځي د یو تکړه قوماندان او یو میړني مدافع په توګه کتل بلکې هغه ئي د یو پیرخاني په توګه د درناوي وړباله.

دهغـه زړه ډیر ستر و، هغـه دا تـوان درلوده چې خپل سرسخته دښمنان چې دده تـه بـه ئي پنـاه یـووړه وبخښي او دمهربـاني پـه غیـږ کـې ئـي ونیـسي. پـه غریبـو او بـي چـاره خلکـو ئـي تـل پیرزوینـه درلـوده او لـه هغـه چـا سره ئـي نـه پخلاکیدونکي مبارزه کولـه چې هغوي زمـوږ دخـاوري، زمـوږ داسلامي ارزښتونـو او زمـوږ دملـي نوامیسو او بالاخره زموږ د هیواد دمادي او معنوي شتمنیو دښمنان وو.

دي د لـوړو غرونـو بـاز او پـه آزادي مـین شخصـیت و او کلـه چـې دهیـواد او اسـلامیت دښمنان په دي وپوهیدل چې مسعود هیڅکله هم دچا د تمې او هیلې په دام کې نـه نښلي، نو پـه نـامردي او چـل ول سـره ئـي دسنبلي دمیاشتي پـه 18 نیټـه شـهید کړ چې دهغـه پـه شهادت سـره دټول افغانسـتان آزادي دوسـت او مسـلمان خلـك ودردیـدل او پـه هغـه چـاتي لعنـت ووایـه چې د افغانسـتان د آزادي دصـحرا دغـه خـود رویـه غـاټول ئي ورژاوه.

دفلك له چارو څه وكـړم ګوګار
زموږلوي هرګل چې خاندي په بهار
هرغاټول چې په بیدیا غوړیده وکا
رژوي پاڼي کاندي تار پـه تار

مـوږ د احمدشـاه مسـعود پـاك روح تـه درود استوو او دلوي خداي«ج» څخه هیلـه مـن یـوو چـې دوي تـه جنـت فـردوس پـه نصـیب كـړي او دهغـوي پـاتې کسـانو او درنـي کـورني تـه دجمیـل صـبر او زغـم غوښتنـه کـوو دده لاره د آزادي او سـر لـوړي لاره وه نـ د غلامـي، او سـرټیټي لکـه شـاعر چـې وائي:

که خازي شني مي په قبروي ولاړي
كه غلام مړوم راځي توکړي پري لاړي
که په خپلو وینو ئه وم لمبیدلي
په مامه پلیتوي دجومات غـاړي
یا به دا بي ننګه ملك باغ عدن کړم
یا به کړمه د افغان کوځي ویجاړي

کنفرانس بین المللی مسعود ...

بر شخصیت های مختلف علمی، سیاسی، فرهنگی، رجال عالی رتبهٔ دولتی، سفرای کشورهای خارج مقیم کابل، نمایندگی های مؤسسات وتعداد زیادی از زنان ومردان ومهمانان دعوت شده از کشورها یی مثل تاجیکستان، فرانسه، روسیه، پاکستان و... نیز شرکت ورزیده وطی سخنرانی هایی، مسعود بزرگ را در زمرهٔ بزرگ ترین مردان روزگار حساب نمودند و او را به حیث قهرمان بزرگ قرن معاصر نه تنها در افغانستان، بلکه در سایر کشورها وقاره ها نیز معرفی کردند.

در روز اول این کنفرانس بین المللی که به تاریخ ششم سپتامبر مطابق ۱۶ سنبله۱۳۸۴ دایر شده بود، بعد از تلاوت قرآن عظیم الشأن توسط قاری برکت الله سلیم شخصیت های بارز سیاسی وجهادی، به ترتیب آتی سخنرانی کردند.

اولین سخنران محفل آقای هدایت امین ارسلا معاون ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان و رئیس کمیسیون برگزاری سومین سالروز شهادت قهرمان ملی بود، او با قرائت پیامی از سوی حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی کنفرانس بین المللی مذکور را افتتاح کرد، متعاقب آن پروفیسور عبدرب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان دربارهٔ اوصاف وشخصیت عالی شهید احمدشاه مسعود بیاناتی ایراد کرد و در مورد جهاد ومقاومت مردم افغانستان توضیحات ارائه نمود.

سخنران بعدی مجلس یاد شده آقای محمدیونس قانونی وزیر پیشین معارف افغانستان ویکی از کاندیداهای ریاست جمهوری کشور بود. نامبرده نیز در پیرامون شخصیت چند بعدی سالار شهدای افغانستان توضیحاتی مفصل ارائه داشت. استاد عبدالستار سیرت یکی دیگر از کاندیداهای ریاست جمهوری سخنران دیگر این محفل بود که دربارهٔ شهادت وجهاد از دیدگاه اسلام معلوماتی مفصل ارائه داشت و افزود: بزرگ ترین افتخار احمدشاه مسعود این است که او مجاهد بود.

وی همراه با بزرگ ترین ویژگی دیگری که در اسلام از جایگاهی خاص برخوردار می باشد، با ما وداع گفت و ان همانا داشتن لقب شهید می باشد.

به تعقیب دکتر سیرت، استاد محمد محقق یکی دیگر از کاندیداهای ریاست جمهوری عقب میز سخنرانی قرار گرفت و توضیحاتی در رابطه با مقام شهید ارائه کرد و از روز های مقاومت که بیشترین وقتش را در تماس وارتباط با قهرمان ملی سپری کرده بود، معلومات داد.

عبدالرحیم وردگ معاون وزارت دفاع ملی سخنران دیگر این کنفرانس، سخنرانی تحلیلی و همه جانبه یی در باب این که مسعود شهید یکی از استراتژیست های ورزیدهٔ روزگار بود، ایراد کرد که یاد داشت های موصوف می تواند تأثیرات خوبی در ساختار اردوی ملی داشته باشد.

رشتهٔ آخرین سخنرانی قبل از روز هفتم سپتامبر ۲۰۰۴ به خواهر مهسا طایع یکی از کارمندان فعال بنیاد فرهنگی احمدشاه مسعود داده شد که صحبت هایی جذاب در رابطه با راه و روش مسعود ولزوم پیگیری آن توسط آنانی که مدعی ادامهٔ راه او هستند، داشت.

بخش دوم محفل با صرف غذا و ادای نماز پیشین ساعت دوی بعد از ظهر مجدداً آغاز گردید. امام رووف مشاور ارشد رئیس جمهور تاجیکستان در امور سیاست خارجی مطالبی ارائه داشت. بارز ترین سخنان وی در پیرامون شخصیت سیاسی ونظامی مسعود بزرگ می چرخید، او گفت: مسعود تنها مربوط به افغانستان نه بلکه مربوط به سایر کشورها بالأخص تاجیکستان نیز هست وخواهد بود.

رئیس حزب سبزهای فرانسه، آقای بریس لاند، که قبلاً به حیث وزیر محیط زیست آن کشور ایفای وظیفه می کرد، رشتهٔ صحبت را به دست گرفت و در مورد محبوبیت مسعود بزرگ درمیان شخصیت ها ومردم فرانسه نکات زیادی را بیان نمود وشهادت او را ضایعه یی جبران ناپذیر در سطح جهان، قلمداد کرد.

سومین سخنران محفل بعد از ظهر روز اول کنفرانس آقای دکتر کهدوی آتشهٔ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بود که ضمن قرائت مقاله یی تحت عنوان: «پیوند مسعود باحافظ» در مورد علاقهٔ شهید مسعود به اشعار لسان الغیب توضیحاتی ارائه نمود ونقل کرد که شهید عزیز اتفاقاً یک شب قبل از شهادتش به توجیه وتفسیر اشعار شورانگیز حافظ پرداخته و از زبان هم نشینانش نیز در این باب سخنانی زیاد شنیده است که این نکته خود افاده کنندهٔ پیوند معنوی مسعود با لسان الغیب«رح» می باشد.

آقای وحید مژده مقاله یی در باب دسایس دشمنان افغانستان برای از بین بردن مسعود بزرگ تهیه دیده بود که قرائت کرد و از برنامه های مشخص دشمنان وطن وجهاد ومقاومت به تفصیل پرده برداشت و در اخیر توضیح داد که دشمنان اسلام ومردم افغانستان در لباس ژورنالیست وعرب چگونه برای عملی ساختن پلان شیطانی شان اقدام به ترور قهرمان ملی کشور ما کردند.

اکادمیسن محمدجان شکوری عضو اکادمی علوم تاجیکستان از خاطره های ملاقاتش با قهرمان ملی افغانستان در آن سرزمین اشاراتی داشت وبا تأثیر عمیقی که از نبود شخصیت احمدشاه مسعود گرفته بود چند جلد آثار چاپ شده اش را به دفتر فرهنگی بنیاد احمدشاه مسعود اهدا نمود.

متعاقب وی خانم شیرد کلانف، رئیس انجمن دولتی ارتباط فرهنگی تاجیکستان باکشورهای خارجی بیانیه یی ایراد نمود، و آخرین سخنران روز اول این کنفرانس بین المللی عبدالقیوم ملکزاد بود که ضمن ارائهٔ خاطراتی از بودنش در کنار مسعود بزرگ به حیث یکی از همسنگران قهرمان ملی، و رئیس کمیتهٔ فرهنگی شورای نظار جمعیت اسلامی در باب اهتمام و توجه سالار شهدای افغانستان در مورد رشد فرهنگ وعمران وبازسازی، به تفصیل سخن گفت و محفل روز اول ساعت پنج عصر به پایان رسید.

قابل یاد آوری است که گردانندگی محفل روز اول را آقای احمدضیا رفعت ومحمدنسیم فقیری به عهده داشتند.

دومین روز کنفرانس بین المللی مسعود شناسی پس از تلاوت آیاتی از قرآن عظیم الشأن توسط استاد برکت الله سلیم روز سه شنبه هفدهم سنبله آغاز گردید. اولین سخنران ان خدای نظر عطا زاده استاد دانشگاه تاجیکستان بود که ضمن سخنرانی در باب شخصیت برجسته و فخر آفرین مسعود بزرگ، بر لزوم تدویر کنفرانس های مسعود شناسی درسال های اینده در خارج از افغانستان تأکید ورزید.

سخنران بعدی یکی از شعرای نامدار افغانستان حیدری وجودی بود که در باب عرفان ومسعود مقاله یی شیوا قرائت کرد.

در محفل روز دوم نیز تعدادی از شخصیت های مقیم تاجیکستان وفرانسه و روسیه مهمان برنامه بودند و از آن جمله سلوا نار لامباردو، نویسندهٔ کتاب «نامه هایی به مسعود وبه سرزمین مسعود» طی سخنانی مطالب جالبی از آنچه در مورد قهرمان ملی کشور به خاطر داشت ویادداشت کرده بود به حاضران مجلس تقدیم داشت و یاد آور شد که با تأثیر پذیری از شخصیت والای مسعود وتشخیص حق بودن راه او به افتخار قبول دین مقدس اسلام نایل آمده است.

دکتر انوار الحق احدی رئیس عمومی دافغانستان بانک نیز راجع به شخصیت امرصاحب سخنانی ایراد فرمود، سپس جوره بیک نظری رئیس پژوهشگاه شرق شناسی اکادمی علوم تاجیکستان دربارهٔ شخصیت مسعود وارادتی که وی و مردم و سرزمینش نسبت آن بزرگمرد روزگار داشتند ودارند، مطالبی را به سمع حضار رساند وبعد نوبت سخن به انورخان جکدلک رئیس عمومی المپیک افغانستان سپرده شد. او خاطره هایی دلچسپ در رابطه با داشتن ارتباط و بودنش با امرصاحب در دوران جهاد ومقاومت پیشکش کرد.

بعداً رشتهٔ سخن برای دو تن از نویسندگان وشخصیت های فرهنگی بلاد روسیه قرار گرفت. ایشان مطالب بسیار مهمی راجع به دوران جهاد ومقاومت افغانستان وچگونگی برخورد وقهرمانی های مسعود در زمان تجاوز ارتش سرخ ارائه داشتند ومسعود را بزرگ مردی قابل احترام وانمود کرده و او را یکی از شخصیت های بزرگ معرفی نمودند و گفتند نام مسعود، با شهامت ومردانگی وقهرمانی سرزمینش پیوند ناگسستنی دارد آنان افزودند: وقتی که در اتحاد شوروی سابق نامی از افغانستان برده می شد، قبل از همه نام مسعود در اذهان مردم متبادر می گردید.

سخنران دیگر این کنفرانس عبدالباری غیرت بودکه مطالبی در نثر وشعر به زبان پشتو قرائت نمود. وبه تعقیب وی نوبت سخنرانی به اسماعیل رحمت اوف مدیر شعبهٔ تحقیقات ریاست جمهوری تاجیکستان، رسید.

بعداً سید حبیب شاه حامد استاد دانشگاه کابل مقاله یی تحقیقی وزیبا را در مورد شخصیت احمدشاه مسعود به خوانش گرفت.

فیاض مهر آیین، مدیر مجلهٔ راه ونامزد معاون ریاست جمهوری نیز مقاله یی داشت در مورد مسعودشناسی که پیشکش حاضرین کرد. سپس نیلاب رحیمی شعری در وصف شهید مسعود قرائت کرد ونسبت تنگی وقت از خوانش مقالهٔ تحقیقی اش بنام: «مسعود وپنجشیر» صرف نظر نمود.

صالح محمدخلیق یکی از استادان دانشگاه بلخ نیز شعری در وصف قهرمان ملی تقدیم داشت وبعد نوبت به قرائت قطعنامهٔ کنفرانس رسید که توسط استاد عزیز احمد پنجشیری، استاد محبوبه حقوقمل، فوزیه ، استاد حیات الله، بهروز خالقی، آقای هزاره و... تهیه شده بود.

پیش از این که تحایف بنیاد فرهنگی احمدشاه مسعود به مهمانان خارجی توزیع شود، اقای احمدولی مسعود به ارائهٔ بیانهٔ اختتامیهٔ خود پرداخت و از دست اندرکاران برگزاری کنفرانس وحضور مهمانان خارجی وداخلی وکلیه برگزار کنندگان هفتهٔ شهید وسومین سالروز شهادت قهرمان ملی افغانستان سپاس گزاری کرد.

کنفرانس ساعت سه وسی دقیقهٔ بعد از ظهر اختتام یافت. قابل ذکر است که گردانندگی برنامهٔ روز دوم کنفرانس را آقای نوری به عهده داشت.

دنیای بعد از یازدهم سپتامبر و مشکل تروریسم

وحید مژده



آیا امروز ما شاهد جهانی امن تر از قبل از یازدهم سپتامبر هستیم؟

ما در دنیایی کوچک زندگی می کنیم، توصیف کوچک بودن به لحاظ کمی نیست بلکه آنچه که وسعت و پهنای جهان ما را درهم فشرده است، تأثیرات وقایع و حوادث است که محصور و منحصر به محل وقوع خویش باقی نمی ماند بلکه مرزها را در می نوردد و تا دوردست ترین نقاط گیتی نقش و اثری از خویش برجا می گذارد. به این تعبیر دنیای ما دنیای کوچکی و به سختی دهکده یی کوچک بیش نیست.

در چنین دنیای کوچکی است که کشوری فقیر و محصور در خشکه که در تحت تحریمات اقتصادی بین المللی نیز قرار دارد، برای بزرگ ترین ابرقدرت جهانی ایجاد خطر می کند و با واقعهٔ یازدهم سپتامبر، جهان به نقطهٔ عطف دیگری گام می گذارد.

اکنون ما در دنیای بعد از یازدهم سپتامبر قرار داریم. دنیایی که تلاش می شود تا تقابل میان اسلام و مسیحیت به عنوان یک مشخصهٔ بارز آن عنوان گردد. ولی آیا واقعا چنین است؟

درقرن بیستم که قرن زوال قدرت مسلمانان در جهان بود، صهیونیست ها تلاش بسیار داشتند تا مسیحیان و مسلمانان را به یک مقابلهٔ جدید صلیبی بکشانند و مسلمانان را در چنین جبهه یی وسیع در معرض فشاری خورد کننده قرار دهند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، ایالات متحدهٔ امریکا که در آن لابی یهودیان از قدرت مسلط سیاسی برخوردار بود، مبدل به قدرت یکه تاز جهان شد. صهیونیست ها می دانند که جهان ما هیچگاه چنین حالتی را برای مدت طولانی تحمل نکرده است پس باید از این حالت در اسرع وقت استفاده نمود و با رو در رو قرار دادن اسلام و مسیحیت در یک جنگ صلیبی دیگر در برابر هم، از اوضاع به نفع خویش بهره برداری نمایند. در چنین جنگی است که مسألهٔ فلسطین تحت الشعاع مسایل دیگر قرار می گیرد و سرزمین های اشغالی نه تنها در اختیار اسرائیل باقی می ماند بلکه رؤیای صهیونیست ها در دست یابی به سرزمینی که از نیل تا فرات وسعت داشته باشد نیز تحقق خواهد یافت.

صهیونیست ها به شکل بسیار منظم و در طول سالهای طولانی، از زمانی که پا به سرزمین فلسطین نهادند، از راه ظلم و بیداد بر فلسطینی ها، به تحریک احساسات مسلمانان علیه حامیان اسرائیل دامن زدند. ایالات متحدهٔ امریکا تحت تأثیر مستقیم لابی های یهودی و صهیونیستی به عنوان بزرگترین حامی اسرائیل، بیش از دیگران مورد خشم مسلمانان قرار گرفت و بعضی از کشور های اروپایی هم که به خاطر بدرفتاری با یهودیان در دوران جنگ جهانی دوم، خود را دچار عذاب وجدان می دیدند، با این روند همراه شدند. غرب در صف مقابل مسلمانان قرار گرفت و بار دیگر خاطرهٔ جنگ های صلیبی زنده شد.

با سقوط اتحادشوروی، که ایالات متحدهٔ امریکا به عنوان تنها ابرقدرت در جهان قدعلم کرد، یکی از تئوری پردازان مسایل سیاسی در امریکا به نام ساموئل هاتینگتون مدعی شد که با سقوط اتحاد شوروی، دوران جنگ ایدئولوژی ها به سر رسیده و جهان به مرحلهٔ جنگ تمدن ها گام نهاده است. این تئوری اساس سیاست محافظه کاران جدید در امریکا قرار گرفت.

یازدهم سپتامبر برای این تئوری میدان عمل فراهم نمود و از زمانی که جورج دبلیو بوش رئیس جمهور امریکا دنیا را به خیر و شر تقسیم کرد، ما شاهد نوعی سوء تفاهم میان غرب و حتی دوستان دیرین آن در جهان اسلام هستیم، وقتی که کشور هایی چون عربستان سعودی دیگر از

یکی از تئوری پردازان مسایل سیاسی در امریکا به نام ساموئل هاتینگتون مدعی شد که با سقوط اتحاد شوروی، دوران جنگ ایدئولوژی ها به سر رسیده و جهان به مرحلهٔ جنگ تمدن ها گام نهاده است. این تئوری اساس سیاست محافظه کاران جدید در امریکا قرار گرفت

اعتماد کامل غرب برخوردار نیستند، سرنوشت تیره برای کشور هایی چون عراق هرگز دور از انتظار نبوده و نیست.

اکنون سؤال مهم در ذهن جهانیان این است که پس از یازدهم سپتامبر و اعلام جنگ علیه تروریسم، دنیای ما تا چه حد دراین نبرد موفق بوده است؟ آیا امروز ما شاهد جهانی امن تر از قبل از یازدهم سپتامبر هستیم؟

وقایع دنیای ما از شرق میانه تا شرق دور می تواند پاسخی ناامید کننده به این سوال باشد. امریکا در عراق ابومصعب زرقاوی را مسؤول حملات تروریستی می داند. در یک کشور اروپایی یعنی اسپانیا در آستانهٔ انتخابات بمب های منفجر می شود که نتیجهٔ انتخابات را تغییر می دهد، در ترکیه نیز وضع بهتر نیست، عربستان سعودی با موجی از خشونت های تروریستی مواجه است و در اندونیزیا نیز حملات انتحاری به اهداف غربی، نشانه هایی خوبی از امنیت نیست بخصوص که همهٔ این حملات با القاعده و شاخه های آن ارتباط دارد.

مشکل دنیای ما این است که در غریو برخاسته از جنگ علیه تروریسم، هیچ صدای دیگری توجه برانگیز نیست وگرنه باید پرسید که در کدام دین و مذهبی کشتن مردم بی دفاع و بی گناه، جنگ مقدس خوانده شده است؟ از جانب دیگر اگر تروریست ها با دست زدن به خشونت کور چنین می کنند، آیا دست زدن به اعمال مشابه به نام جنگ علیه تروریسم را می توان موجه دانست؟

صهیونیسم بین المللی در صدد است تا این جنگ را جنگی مذهبی جلوه دهد و به این ترتیب بی طرف ماندن در آن را برای مسلمانان و مسیحیان دشوار سازد. رسانه های خبری تحت تسلط صهیونیست ها در سراسر جهان در تلقین همین باور به اذهان مشغولند تا اسلام را دین وحشت [illegible] جلوه دهند. در حالی که اسلام دین محبت و انسان دوستی است و کشتن انسان بی گناه در این دین از جملهٔ گناهان کبیره است.

اگر ما بخواهیم قرآن را با توراتی که اینک در جهان وجود دارد مقایسه کنیم این تفاوت به وضاحت آشکار است. در صحیفهٔ یوشع بن نون در تورات آمده است که یوشع مردم شهرهای رفح و اریحا را یکسره قتل عام نمود و احدی را زنده نگذاشت. این عمل در تورات به عنوان یک عمل نیک مورد تقدیر و تقدیس قرار گرفته و دستوری است که صهیونیست ها امروز برعلیه فلسطینی ها برآن عمل می کنند اما کسی نمی گوید که یهودیت با تروریسم پیوند عقیدتی دارد، بر عکس این اتهام ناروایی است که بر اسلام وارد می آید و تروریست ها با کشتن بی گناهان با اعمال خود، این اتهام صهیونیست ها را موجه جلوه می دهند.

مسلمانان باید به این خطر متوجه گردند و اجازه ندهند که کسانی به نام مسلمان، اطفال بی گناه را بکشند و با انفجار بمب، خون بی گناهان را بریزند و چهرهٔ مسلمانان را در اذهان جهانیان خدشه دار سازند. درحالی که این اعمال هیچ رابطه یی با دین ندارد و هیچ مسلمانی آن را تأیید نمی کند.

●●●

یک تحلیل از تروریسم و عوامل به وجود آورندهٔ آن به مسایل اقتصادی توجه دارد. در این تحلیل نیز دین و مذهب فقط یک پوشش برای رسیدن به اهدافی است که در اصل، ماهیت اقتصادی دارد. اگر دیروز فاصله میان فقیر و غنی در جهان و چپاول منابع مادی کشور های فقیر موجب تمایل توده ها به کمونیسم می شد، امروز همان مساله در کشور های اسلامی تمایل به خشونت علیه غرب را موجب گردیده است.

حملهٔ امریکا به عراق به این دلیل صورت گرفت تا یک رژیم خطرناک برای غرب را در شرق میانه براندازد اما حاصل این حمله بیش از دوهزار کشته تنها برای امریکایی ها بوده واز نظر هزینه این جنگ تا کنون بیش از دوهزار میلیارد دلار مصرف بردوش اقتصاد امریکا نهاده است.

بعضی از تحلیلگران به این باورند که اگر امریکا چنین مبلغ عظیمی را به جای جنگ، صرف کمک اقتصادی به کشور های فقیر و تروریست خیز می کرد به نتایج مؤثر تری می رسید اما آنانی که به نقش عوامل اقتصادی در تروریسم و جنگ علیه آن باور دارند معتقدند که از جنگی که اینک در عراق به نام مبارزه علیه تروریسم به راه افتاده است، بهرهٔ عظیمی نصیب کارتل های بزرگ تولید صنایع نظامی می شود و دست اندرکاران این جنگ سرمایه گذاران همین کارتل ها آیند.

دیدگاه هایی از نامزدهای...

عرصه های امنیت، بر آورده ساختن حقوق زنان، فعال ساختن ادارات تحصیلی ومکاتب، جمع آوری سلاح وسایر عرصه ها اشاره نمود، و وعده سپرد که در صورت انتخاب



شدن برنامه هایی را ترتیب خواهد کرد که یک افغانستان سربلند و آزاد را در قبال داشته باشد.

عبدالحفیظ منصور هنگام ارائهٔ خط مشی خود با وجودی که در برخی موارد نظریات مشابه با سایر کاندیداها داشت اما در مورد حضور قوای ائتلاف بین المللی در افغانستان گفت: او حضور این قوا را در افغانستان قانون مند خواهد ساخت.

آقای منصور گفت که در حکومت او برنامه هایی مورد تطبیق قرار خواهد گرفت که مردم در نتیجهٔ تطبیق خلع سلاح از حق دفاع محلات خود محروم نگردند.



منصور افزود که هنوز مردم اطمینان کامل از پایان یافتن تجاوز ندارند واین تشویش درمیان مردم موجود است که اگر بار دیگر قوای طالبان والقاعده و یا خارجی ها به محلات ایشان حمله کند در عدم حضور یک اردوی نیرومند سرنوشت شان چه خواهد شد.

آنچه در سخنان اکثریت قریب به کل کاندیداها به وضاحت معلوم بود، مخالفت ایشان با ترکیب کمیسیون تنظیم انتخابات است، آن ها این کمیسیون را دست نشانده خوانده و می گویند که کمیسیون مذکور به آقای کرزی وابسته بوده و حتی در مواردی به جانبداری از او پرداخته است

مخصوصاً آقای محقق به شکایات رسیده در مورد کاندیداها اشاره نمود وگفت که کمیسیون جرأت نداشت تا شکایات رسیده به آدرس آقای کرزی را حتی به گونهٔ ضمنی مورد اشاره قرار دهد.



مورد دومی استعفای آقای کرزی از پست ریاست جمهوری است، کاندیداها ادعا می کنند که آقای کرزی از صلاحیت دولتی اش در انتخابات سود می برد وبیشتر به تبدیلی های اخیر در ولایات به عنوان یکی از نشانه ها این سوء استفاده اشاره شده است.

کاندیداها بدون آن که میکانیزمی را ارائه داشته باشند، خواستار استعفای آقای کرزی شدند وتأکید دارند در صورتی که به خواسته های شان توجه صورت نگیرد روی طرح تحریم انتخابات بحث خواهند کرد.

دیده شود که این همه مخالفت سرنوشت نخستین انتخابات در افغانستان را به کجا خواهد کشانید؟

نظام الدین

ستره محکمه بار دیگر بر ...

ویا نه؟ گفته بود که اینها مزخرفات است. وی گفت که پدرام فعالیت ضد دینی انجام داده و این یک جرم قانونی و مستوجب پیگیری قانونی است.

معنوی در جواب این سوال که چرا ستره محکمه در قبال تغییراتی که در قانون اساسی بعد از تصویب آن در لویه جرگه از طرف ریاست دولت اقدامی نکرده است گفت که دراین مورد هیچ شکایتی به محاکم کشور مواصلت نکرده است.

در این کنفرانس مطبوعاتی سوالات متعددی در مورد تقاضای ستره محکمه برای حذف کاندیداتوری پدرام قبل از اثبات این امر که آیا سخنان وی خلاف شرع و قانون بوده است از طرف خبرنگاران صورت گرفت و آقای معنوی در این مورد فقط گفت که سخنان وی روشن و واضح بود و باید در ابتدا نامش حذف می گردید. اما آقای پدرام پس از بیان این سخنان گفته است وی خلاف دین سخن نگفته است و از گفته های او تعبیر نادرست شده است.

نکاتی در مورد پرورش فرزندان

متابعت نکردن از هوای نفس و مسابقه در کار خیر

قسمت آخر ••• سید ناصر تقدسی

به ادامهٔ آنچه که در شماره های پیشین مجاهد در مورد پرورش فرزندان یاد دهانی کردیم، در این شماره چند اصل دیگر از اصول و مبانی تربیت فرزندان را به بحث می کشیم که عبارتند از : متابعت نکردن خواهشات ، مسابقه در کار خیر و دعا به بارگاه الهی.

پنجم: متابعت نکردن خواهشات

خداوند متعال در سورهٔ نازعات می فرماید:

"و آن کس که از مقام پرور دگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست" مبدأ نهی نفس از متابعت خواهشات، به مبدأ تزکیهٔ نفس پیوند مستقیم دارد. و هدف از خواهشات در این جا هر چیزی است که نفس بدان اشتها و تمایل دارد و به دور از هر گونه التزام و اجبار آن را می پسندد. لذا به منظور آماده کردن فرزندان برای مواجهه با خواهشات نفسانی، وظیفه داریم تا عادات و خصلت هایی را در وجود آنان غرس نماییم که ایشان به یاری این عادت ها بتوانند وظایف و مسؤولیت های دینی و اجتماعی خود را که در واقع عبادت و اطاعت محسوب می شوند ادا نمایند.

و این موضوع را تا جایی به آنان تمرین بدهیم که در آنان به ملکه تبدیل شود، و برای تحقق این مأمول بایستی ایشان را به اجرای یک سلسله وظایف و مکلفیت ها وادار کنیم؛ هر چند که این وجایب به رغبت وسیلقهٔ آنان ، ظاهراً سازگاری نداشته باشد. به طور نمونه باید آنان را، گاه گاه به منظور تقویت صلهٔ رحم ، به دیدار دوستان و خویشاوندان خود ببریم؛ اگر چه کسی که به ملاقاتش می رویم کودکی به سن و سال فرزند ما، نداشته باشد، طبعاً این مسأله برای کودک ما مقداری دل گیر کننده است چون او آنجا کودکی به سن و سال خود نمی یابد تا با او انس بگیرد وساعت تیری نماید، اما صرف به خاطر این که به عیادت اقارب و صلهٔ رحم خوگرفته باشد، باید وی را با خود ببریم؛ تا از این راه، طفل درک کند که برخی ها بر من حق دارند و من به هر عنوانی که شود باید حق آنان را ادا نمایم. او باید بداند که هر ذی رَحم بر انسان حق دارد. مریض ها ، همسایه ها و فقرا نیز بر آدمی حق دارند، زمانی که فرزندان ما بر ادای حق هر صاحب حقی تمرین کردند و عادت گرفتند، در آینده به آسانی می توانند، هم به ادای حق خدا بپردازند و هم به اجرای حقوق بندگان او به ویژه حق پدر و مادر و دیگر بستگان نزدیک خود. بدون تردید آنانی که در خورد سالی بر همین مبنا پرورش می یابند، در بزرگ سالی قادرخواهند بود که جلو نفس خود را مهار کنند و این موجود سرکش را به راه درست هدایت نمایند. در غیر آن ، نفس جلو آنان را به دست خواهد گرفت و به هر سمتی خواست حرکت شان خواهد داد.

ششم: مسابقه در کار خیر

امروز در جامعهٔ ما فرهنگ پوچ و واهی مصرف ، به موجی توفنده و خطر ناک تبدیل شده است و تمام هم و غم پدران و فرزندان ما را تیل به بالا ترین پیمانهٔ مادی گرایی و لذت پسندی بی روح در زندگی تشکیل می دهد؛ و همگان غرق آنند که بایستی لباس شان مانند فلان ، تلویزیون شان مانند فلان و موتر شان مانند موتر فلان کس باشد! بدون تردید رفتن زیر بار چنین احساسات مادی گرایانه و زود گذر، انسان را از کار هایی بزرگ و شکر نعمت های الهی غافل می سازد، از این رو بر ماست که به فرزندان خود ، مضمون این حدیث پیامبر را گوشزد نماییم که می فرماید: "به طرف کسانی نظر کنید که به تناسب شما درسطحی پایین تر نند، و این ، باعث می شود که نعمت های الهی را حقیر و دست کم نشمارید" و همچنان ما باید به فرزندان خود بفهمانیم و توضیح دهیم که هنگامی که خداوند ما را آفرید میدان ها و زمینه های رقابت و مسابقهٔ سالم در امور خیر و فضلیت را نیز برای ما فراهم کرد، تا در مورد ارزش های اخلاقی و ویژگی های پسندیدهٔ انسانی با هم به هم چشمی بنشینیم؛ چنان که خداوند می فرماید: "و در این کار- فضلیت و راستی - علاقه مندان باید بر یکدیگر پیشی گیرند" لازم است که تمام کوشش و تلاش خود را بر خو دادن فرزندان و کودکان خویش بر محور دین باوری وخدا پرستی متمرکز سازیم؛ چیزی که هم سعادت اخروی و هم نیک بختی دنیایی را در قبال دارد، باید به آنان تلقین کنیم که همواره دعایی را بخوانند که پیامبر می خواند:

"اللهم لا تجعل الدنیا اکبر همنا و لا مبلغ علمنا"

"ای بار خدا یا ! دنیا را بزرگ ترین هدف و آخرین دانش مان مگردان"

و چه بهتر که حس افتخار به معنویت و تزکیهٔ نفس را در نهاد فرزندان، زنده کنیم و به برگ و بار بنشانیم، تا آنان بدانند، که همه ارزش ها و خوبی های حقیقی در تحقق آرمان معنوی و خدا پسندانه است نه در جلب خواسته های مادی و فنا پذیر.

هفتم: دعا واعتماد به الهی

دعا و امید به یاری خداوند بزرگ عظیم ترین سلاح مؤمن، در رویارویی با مشکلات خورد و بزرگ زندگی است، و بر ما است که عادت پسندیدهٔ رجوع به سوی پروردگار و استعانت از او را در هرمهم زندگی، در وجود فرزندان و کودکان خود رشد دهیم تا آنها همواره با خدای خویش پیوند و رابطه داشته باشند. این تعلق ورابطه ، نیرومند ترین دژی است که می توان به وسیلهٔ آن فرزندان خود را ، در مراحل گونه گون عمر و زندگی از آسیب ها و آفت های دینی و دنیایی حمایت کرد. چه زیبا و ستودنی است که به بچه ها و دخترهای خود از همان آوان کودکی ، اداب دعا و مخاطب قرار دادن آفریدگار هستی راتشریح کنیم و مسائل نزدیک شدن به خداوند و رحمت و محبت او (ج) را برای شان به گونه یی که بایسته است به تصویر بنشینیم، هرگاه کودک مان از چیزی احساس ترس می کند باید به قرائت سورهٔ قریش و زمانی که حس دل تنگی و ناراحتی برایش دست می دهد، به خواندن سورهٔ انشراح تشویقش نماییم. و اگر احیاناً به ظلم و بیدادی رویا رو می گردد، برایش گوشزد کنیم که بگوید: "حسبنا الله و نعم الوکیل" "خداوند ما را بسنده است و اوست نیکو مددگار" و در نهایت به آنها سیاقی را که خداوند در قرآن در نظر گرفته و کوایفی را که قرآن در ارتباط به خیر و سعادت بشریت احتوا می کند تبیین کنیم، بیشترینه اموری که انسان در سفر زندگی به آن اطمینان دارد، احساس به وجود کسی است که اورا دوست دارد و به او توجه می کند، به ویژه که این دوستی و رعایت از جانب کسی تأمین شده باشد که دارای سلطه و قدرت است چه رسد به این که از طرف خدا باشد؛ ذاتی که بنده پروری اش را این گونه تعبیر می کند: "هنگامی که بندگان من ، از تو در بارهٔ من بپرسند، من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند ، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند."

ما بسیار دعاهای مأثور داریم که آموختاندن و تلاوت آن به اولاد، در راه رسیدن به اهداف بلند انسانی، ما را خیلی یاری می رساند. مثل دعای سوار شدن به موتر، دعای به سلامت رسیدن از سفر دعای شکرانهٔ طعام و دعای شکرانهٔ لباس جدید و ... این ادعیه به طور کلی احساس شکر نعمت و سپاس از موهبت های الهی را در نهاد ما می آفرینند.

همچنان بر ما واجب است که فرزندان خویش را بر اساس دوستی با پیامبر تربیت کنیم و آنحضرت را الگوی قابل پیروی در زندگی برای خود و آنان قرار بدهیم تا از این راه افتخار همراهی او صلی الله علیه وسلم را کسب نماییم، و این کار ، جز از طریق پای بندی به فضایل اخلاقی میسر نخواهد بود، چنان که پیامبر می گوید: ازلحاظ همنشینی، نزدیک ترین شما به من کسی است از نیکویی های اخلاقی بهره مند بوده باشد". خداوند همه را از اخلاق خوب و مجالست پیامبر محروم نفرمایاد!

سومین سالروز شهادت قهرمان ملی ...



پس از آن هدایت امین ارسلا معاون ریاست دولت و رئیس کمیسیون دولتی مراسم تجلیل از سومین سالروز شهادت احمدشاه مسعود درمورد هدف این همایش گفت:

ما این جا گرد هم آمده ایم تا یاد شهدایی را زنده سازیم که جان های شیرین شان را در راه آزادی وطن فدا کردند ولی ذلت را نپذیرفتند.

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان درسخنان خود از شخصیت والای شهید مسعود یاد کرد و گفت: احمد شاه مسعود مرد تاریخ وچهرهٔ تابناک جهاد ومقاومت است ، او در بیشتر از دو دهه با رنج ها و مشقت ها دست وپنجه نرم کرد وقهرمانانه رزمید. وی در دشوار ترین مراحل مبارزه، پایداری وحوصله اش را از دست نداد ومانند دژی استوار وآهنین با تمام ناملایمات روزگار مقابله نمود وهیچ گاهی از راهش بر نگشت وهمیشه د ردامان وطن به سر برد و مقاومت کرد.

رئیس دولت علاوه نمود: مسعود روحیهٔ آزادمنشی، استقامت وتصمیم قاطع داشت وامید وار به آیندهٔ وطن خود بود، اویک افغانستان مقتدر ومتحد می خواست و به حاکمیت قانون، شایسته سالاری ومردم سالاری، حقوق وآزادی های مدنی باور داشت.

مارشال فهیم معاون اول ریاست دولت و وزیر دفاع ملی ، سخنران دیگر این مراسم بود که از مسعود به عنوان الگوی تسلیم ناپذیرملت یاد کرد و او را گوهر تابناک استقلال طلبی خواند. وی گفت : مسعود بزرگ از جمله رهبران ومبارزان جهان معاصر به شمار می رود که پیامد کارنامه هایش از ابعاد وسیع ملی وبین المللی برخوردارمی باشد.

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت نیز در این اجتماع سخنرانی نمودند که متن کامل آن در همین شماره به چاپ رسیده است.

احمد ولی مسعود برادر قهرمان ملی و سفیر افغانستان در انگلستان در سخنرانی خود گفت:

بزرگداشت از سالروز شهادت قهرمان ملی در حقیقت بزرگداشت از شهادت میلیون ها شهید راه جهادو استقلال افغانستان می باشد. او علاوه کرد: در سومین سالروز شهادت برادر بزرگوارم ، احساس من این است که اسطورهٔ جنگ وصلح ما با تمام قوت زنده است وبه افغانستان فکر می کند. او دیروز طلیعه دار جهاد ومقاومت علیه نا روایی ها بود و امروز طرح ها وآرمانهایی را که سالها در دل پرورده بود به وسیلهٔ ما به تاریخ عرضه می کند.

ما امروز د رتداوم جریان تاریخی وپیوستگی فکری با دیدگاه های شهید احمد شاه مسعود، با درک شرایط حساس کشور سعی داریم تا چهارچوب سیاسی معقولی را بنا نهیم که اندیشه های مسعود دربارهٔ آیندهٔ افغانستان وآرمان های انسانی مردم درآن به بهترین شکل متجلی شود.

محمد کریم خلیلی معاون ریاست دولت ، مراد علی مراد معاون ستره محکمه ، عبدالله وردگ وزیر شهدا ومعلولین سخنرانان دیگر این اجتماع بودند که روی ابعاد مختلف زندگی قهرمان ملی صحبت نمودند واین همایش با شکوه با دعائیهٔ استاد سیاف به پایان رسید.

بعد از ختم مجلس هدایت امین ارسلا در حالی که جنرال عبدالرحیم وردگ معاون اول وزارت دفاع و جنرال بسم الله خان با وی همراه بودند به پای تصویر مسعود شهید اکلیل گل گذاشتند و بدین ترتیب مراسم گل گزاری آغاز گردید.

همچنان به تاریخ ۱۹ سنبله در بزرگداشت از سومین سالروز قهرمان ملی محفل مشابهی در تپهٔ سالار شهدا در ولایت پنجشیر برگزار گردید که در آن محفل نیز استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت، مارشال فهیم وعده یی از اعضای کابینه، سفرا ونمایندگان بعضی از کشورهای خارجی مقیم کابل وجمع کثیری از اهالی ولایت پنجشیر اشتراک نموده بودند.

در آغاز این مراسم محمد علم ایزدیار رئیس اطلاعات وفرهنگ ولایت پنجشیر مهمانان را خیر مقدم گفت و پس از آن وزیر اطلاعات فرهنگ در پیرامون فدارکاری ها وشخصیت شهید مسعود صحبت نمود.

تورن جنرال ملنگ یار قومندان فرقهٔ ۱۱ ننگرهار به نمایندگی از مردم ولایات شرقی، دگر جنرال بازمحمد رئیس پیژنتون وزارت دفاع ملی به نمایندگی از مردم ولایات مرکزی، آقای خلیق معین سواد حیاتی وزارت معارف، محمد اکبر پویل رئیس دانشگاه کابل، دگر جنرال همایون فوزی معاون وزارت دفاع وسید حامد نوری بالنوبه در مورد شخصیت شهید احمدشاه مسعود سخنرانی نمودند.

همچنان دکتر زلمی خلیلزاد سفیر امریکا در کابل صبح همان روز همراه با اعضای سفارت خانهٔ آن کشور به مزار شهید مسعود رفته و بر آن اکلیل گل گذاشت.

همچنان منارهٔ مقاومت که در جادهٔ مسعود (صحت عامه) به خاطر یاد بود قهرمان ملی بنا شده است در هجدهم سنبله توسط استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت، مارشال فهیم، وزیر اطلاعات وفرهنگ و تنی چند از اعضای کابینه افتتاح شد.

گفتنی است که ازهفتهٔ شهید در سراسر افغانستان طی مراسم ها و ختم های قرآن کریم تجلیل به عمل آمد.

ملکیار

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

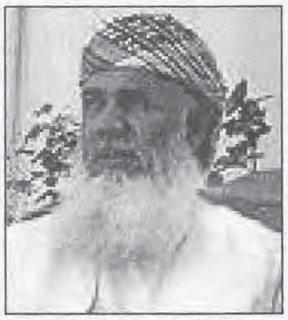
● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست وسوم | چهارشنبه ۲۵ سنبله ۱۳۸۳ | اول شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 15 September 2004

شهر هرات در پی تبدیلی اسماعیل خان متشنج شد



سید محمدخیرخواه که در زمان دولت اسلامی سفیر افغانستان در ایران هم تا اکنون سفیر افغانستان در اوکراین بود، او در نخستین اقدام، کمیسیون خاصی را به کار گماشت تا وظیفهٔ تأمین امنیت را در شهر سازمان دهی کند.

قیودات برگشت وگذار از طرف شب وضع شد وسرانجام در شب دوم این ماجرا، والی پیشین هرات امیرمحمد اسماعیل خان، در تلویزیون دولتی هرات آشکار گردید و از مردم خواست تا آرامش وامنیت هرات را اخلال نکنند ونگذارند که بازسازی ها ونوسازی های شهر هرات تخریب شود.

اسماعیل خان ضمن این که از کشته شدن پنج شهروند هراتی اظهار تأسف کرد عملکرد نیروهای اردوی ملی افغانستان را در مقابله با تظاهرکنندگان انتقاد نمود و از آن ها خواست که خویشتن دار باشند.

همچنین از پذیرفتن پست وزارت معادن وصنایع خود داری کرد و گفت ترجیح می دهد که در خانه اش مانند یک فرد عادی بماند.

این در حالی است که امان الله زیرکوهی تا اکنون در کابل به سر می برد.

تحلیل گران به این باورند که نفس برکناری محمداسماعیل خان از سمتش در هرات قابل نکوهش نیست واسماعیل خان خود این عملکرد دولت را پذیرفته است. ولی زمان این کار حالا نبود.

عده یی به این باور اند که اگر محمداسماعیل خان را به خاطر تجربه هایش در بازسازی هرات دولت پاداش داده و به وزارت رسانیده است چرا به وزارت معادن وصنایع؟ آیا برای او مثلاً وزارت بازسازی افغانستان مناسب تر نبود؟

بسیاری ها به این عقیده اند که رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان قبل از برگزاری انتخابات قصد داشت اسماعیل خان را از عهده اش برکنار



کند واکنون او در یک اقدام قابل پیش بینی به این کار مبادرت ورزید.

دیدگاه هایی از
نامزد های ریاست جمهوری

در دوهفتهٔ پسین، کاندیداهای ریاست جمهوری فرصت یافتند که برای مدت بیست دقیقه خط مشی خود را از طریق تلویزیون دولتی افغانستان اعلان نمایند. با وجودی که فرصت اندکی در اختیار کاندیداها قرار داده شده بود با آن هم بسیاری از آنها بخش اعظم این فرصت را در انتقام از کارکردهای دوسالهٔ دولت انتقالی صرف نمودند. و به این ترتیب فرصت بسیار اندکی برای ارائهٔ برنامه های خودشان باقی ماند.

تلویزیون افغانستان با آن که می تواند فرصت زیادی را در اختیار کاندیداها بگذارد اما بنا بر دلایلی به همان بیست دقیقه اکتفا کرد.

کاندیداها عموماً نظریات مشابه به هم داشتند. بلند بردن سطح زندگی مردم، گسترش تعلیم وتربیه، ارائهٔ خدمات اجتماعی، رعایت حقوق زنان، بلند بردن حیثیت افغانستان در سطح بین المللی و چند مورد دیگر تقریباً در تمام خط مشی ها وجود داشت.

تفاوت های مهم در نظریات کاندیداها چنین است:

عبداللطیف پدرام در خط مشی خود روی ایجاد سیستم فدرالی تأکید نمود و گفت که به نظر او یک راه حل معقول و شاید یگانه طریق آسان سوق دادن افغانستان به شاهراه ترقی، ایجاد چنین سیستمی است.

او گفت: در مورد سپردن حقوق بیشتر به زنان با علما بحث خواهد کرد. گفته های آقای پدرام حساسیت دادگاه عالی افغانستان را در پی داشت وشورای عالی آن دادگاه او را به نقض اصول شریعت متهم



کرده و خواستار حذف نام او از لست کاندیداها گردید. اما آقای پدرام گفت که او فتوا صادر نکرده است وفقط چند تا پرسش را در برابر علما قرار داده است با آن هم معاون ستره محکمه طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: آقای پدرام صریحاً به نقض اصول شرعی پرداخته است واگر نام او در لست کاندیداها باقی بماند، این در حکم نقض قانون است.



عبدالهادی دبیر یکی دیگر از کاندیداهای ریاست جمهوری باوجودی که خط مشی واضح خود را اعلام نکرد، و وعده سپرد که آن را از طریق مطبوعات به نشر می رساند اما در صحبت بیست دقیقه یی خود بیشتر به انتقاد از دولت انتقالی پرداخت و گفت که اگر برنده شود، از قوای ایالات متحده خواهد خواست که افغانستان را ترک کنند.

عبدالحسیب آرین کاندیدای ریاست جمهوری در صحبت خود گفت که او برنامه هایی را وضع خواهد کرد که در طی نخستین سال حکومت داری



اش تمام مشکلات مردم افغانستان به شمول مشکلات اقتصادی وبی سرپناهی حل گردد.

آقای آرین روشن نساخت که این همه امکانات را چگونه و از کجا در اختیار مردم افغانستان قرار می دهد.

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان که خود یکی از کاندیداها برای احراز مقام ریاست جمهوری می باشد در هنگام اعلام خط مشی خود به دست آوردهای حکومت تحت اداره اش در دوسال پیشین در

ص۶

محاکمهٔ متهمان زندان شخصی از سرگرفته شد

جلسهٔ محاکمهٔ سه شهروند امریکایی وهمکاران افغانستانی آنان به اتهام ساختن زندان شخصی در کابل روز دوشنبه ۲۳ سنبله در محکمهٔ ابتدائیهٔ جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی از سرگرفته شد.

در این جلسهٔ محاکمه که در آن خبرنگاران حضور نداشتند، متهمان و وکلای مدافع شان، سارنوال موظف، و متضرران این ماجرا ونیز قونسل ایالات متحدهٔ امریکا در کابل حاضر بودند.

در جلسه یکی از متهمان بنام برنت از وکیل مدافع افغان که برایش در نظر گرفته شده بود سلب اعتماد نموده و اظهار داشت که خودش از خود به دفاع خواهد پرداخت. برنت قبل از ای-ن، از محکمه تقاضا نموده بود که برایش یک وکیل مدافع افغانستانی تعیین نماید.

در جلسه وکلای مدافع امریکایی که برای دفاع از متهمان امریکایی به کابل آمده اند با رفتار اهانت آمیز خود در برابر متضرران مورد اعتراض آنان قرار گرفتند. متضرران این واقعه غیر از این که مورد شکنجه قرار گرفته و زندانی شده بودند اموال و پول نقد آنان نیز توسط این گروه به غارت برده شده است و اینک آنان تقاضای حق العبدی خویش را به محکمه ارائه نموده اند. یکی از وکلای مدافع در برابر این خواست آنان گفت که ما شما را به گوانتانامو می بریم و شما از ما تقاضای پول و موتر های تانرا دارید. در این میان مشاجرهٔ لفظی هم میان وکلای مدافع و متضرران صورت گرفت.

قاضی بختیاری رئیس محکمهٔ ابتدائیهٔ جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به وکلای مدافع گوشزد نمود، در صورتی که بار دیگر چنین رفتار اهانت آمیزی از آنان به مشاهده برسد، برعلیه شان اقدام قانونی صورت خواهد گرفت.

ستره محکمه بار دیگر بر
حذف کاندیدایی پدرام تأکید نمود

به دنبال سخنان لطیف پدرام یکی از کاندیدا های ریاست جمهوری در رابطه به تعدد زوجات و طلاق، شورای عالی ستره محکمه این سخنان را مخالف شرع و قانون دانسته و از دفتر مشترک انتخابات و یوناما رسماً تقاضا نمود تا اسم پدرام را از لست کاندیدا های ریاست جمهوری حذف نماید و همچنان از سارنوالی تقاضا نمود تا پدرام را غرض توضیح سخنانش احضار و دوسیه را به محکمه ارسال دارد.

در این مورد از طرف مقامات مسؤول هیچ اقدامی صورت نگرفته و این تصمیم ستره محکمه نادیده و ناشنیده گرفته شد. آقای پدرام کمافی السابق به کمپاین انتخاباتی خویش ادامه داد که این مسأله سوالات زیادی را در رابطه به جایگاه قوه قضائیه در نظام سیاسی کشور خلق کرد.

ستره محکمه بار دیگر طی مکتوبی به دفتر مشترک انتخابات موضوع را پیگیری نمود که باز هم با سکوت استقبال گردید. برای توضیح این مطلب بعد از ظهر یکشنبه ۲۲ سنبله جمعی از خبرنگاران رسانه های خبری غرض شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی به مقر ستره محکمه فراخوانده شدند. آقای فضل احمد معنوی معاون ستره محکمه در این کنفرانس مطبوعاتی در جواب این سوال که چرا تصمیم شورای عالی ستره محکمه تاکنون جنبهٔ عملی بخود نگرفته است گفت که قوهٔ قضائیه یک ارگان اجرایی نیست. ما تصمیم خود را به مراجع اجرایی ابلاغ کردیم. مراجع اجرایی مکلف به اجرای قانون است. وی در جواب این سوال که ستره محکمه با پدرام مفاهمه نموده و دلایل وی را بشنود گفت که پدرام می تواند دلایل خود را به سارنوالی ارائه نماید.

معنوی این سخن را که ستره محکمه پدرام را به کفر گویی متهم کرده است رد کرد و گفت که سخنان پدرام علیه دین و معتقدات ما بوده است. از جمله وی به این سخن پدرام اشاره کرد که در رابطه به تقرر زنان در سفارت خانه ها و این که وجود محرم شرط است ص۶